

## آزاده پشوتنی زاده<sup>۱</sup>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲، ۳ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۲، ۸، ۲ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲، ۸، ۶

DOI: 10.22055/PYK.2023.18565 URL: [https://paykareh.scu.ac.ir/article\\_18565.html](https://paykareh.scu.ac.ir/article_18565.html)

ارجاع به این مقاله: پشوتنی زاده، آزاده. (۱۴۰۲). نمادهای پیشاسلامی در فرش‌های تصویری ایران از پادشاهان. پیکره، ۱۲(۳۴)، ۱۹-۳۶.

ترجمه انگلیسی این مقاله در همین شماره با عنوان زیر منتشر شده است  
Pre-Islamic Symbols in Pictorial Carpets of Iranian Kings

مقاله پژوهشی

## نمادهای پیشاسلامی در فرش‌های تصویری ایران از پادشاهان

### چکیده

**مقدمه:** فرش‌های ایرانی متعددی با نقشمایه پادشاهان اساطیری پیشاسلامی در موزه‌ها موجود است که ساختار بیشتر آن‌ها ساختار مشابه است و در آن‌ها پادشاهان با اسامی باستانی خویش و همراه با موجودات متافیزیکی تصویر می‌شوند و دارای سه سطح‌بندی؛ نخست جایگاه پادشاه و فره کیانی؛ دوم جایگاه اجنه/دیوان و سوم جایگاه سربازان هستند. در این گونه فرش‌ها تغییر شکل مفاهیم متافیزیکی پیشاسلامی به شکل‌های نمادین منجر شده است. این پژوهش که باهدف شناخت پادشاهان اسطوره‌ای در فرش‌های تصویری ایران تدوین شده، در پی پاسخ به سوالات پیش رو است. طراحان ایرانی فرش با بهره‌گیری از قابلیت رسانه‌ای فرش، این سطح بندی سه گانه پیش گفته را چگونه انتقال داده و نمادهای بیانگر حمایتگری ایزد مهر و ایزدبانوی ناهید از پادشاهان ادوار اسلامی در این فرش‌ها چیست؟

**روش پژوهش:** این پژوهش ماهیتی کیفی دارد و پژوهشی بنیادی محسوب می‌شود. جمع‌آوری اطلاعات از کتابخانه‌ها و موزه ملی فرش ایران است. و شیوه بیان آن روش توصیفی و تحلیلی است.

**یافته‌ها:** وجود نمادهای پیشاسلامی در ترکیب با داستان پیامبران سامی، آمیخته به تصاویر پادشاهان دوران اسلامی ایران در نقشمایه‌هایی چون گوی نورانی در پشت تخت‌گاه متعلق به سطح نخستین، اجنه در بخش میانی، سربازان و وزرا در آخرین سطح، از ترکیبات منحصربه‌فرد فرش‌های تصویری ایران است. در اندیشه طراحان فرش، نیروهای متافیزیکی همچون پلی وسیله انتقال مفاهیم پیشاسلامی را به نقشمایه پادشاهان اسلامی فراهم کرده‌اند.

**نتیجه‌گیری:** اسطوره‌شناسی و دانش بصری طراحان فرش‌های تصویری ایران منجر به انتقال مفاهیم متافیزیکی موجود در اسطوره‌های پادشاهان پیشاسلامی و پیامبران سامی به نقشمایه‌های پادشاهان اسلامی گردیده است که نماد ایزدبانوی ناهید در قالب حوض آب و ایزد مهر به فرم گوی نورانی نمود یافته است.

### کلیدواژه

فرش‌های تصویری ایران، پادشاهان اسطوره‌ای و اسلامی، مهر و ناهید، پیامبران سامی

۱. استادیار گروه هنرهای سنتی، پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری، تهران، ایران

Email: [pashootanizadeh@richt.ir](mailto:pashootanizadeh@richt.ir)

## مقدمه و بیان مسأله

دو نظام ادراکی انسان تصویر و کلام است که کلام از طریق ادبیات و تصویر از طریق هنر بروز می‌یابند. هنرمندان فرش ایران بر اساس کلام/ توصیفات به آفرینش تصاویر می‌پردازند. از این بابت، ذهن ایشان پدیدهٔ کلام‌محوری<sup>۱</sup> و تصویرمحوری<sup>۲</sup> را همزمان تجربه می‌کند که ماحصل آن ترکیب نقشمایه‌هایی از پادشاهان ادوار گوناگون است. شناسایی کلام/ توصیفات که منجر به تلفیق فرهنگ باستانی ایران و اسطوره‌های پیامبران سامی شده‌اند و در آفرینش این نقشمایه‌ها دخیلند، از ضروریات این پژوهش است. نقشمایه‌هایی که با نظام معیشتی ایرانیان که کشاورزی و دامپروری است عجینند. این شیوهٔ امرار معاش مسبب تمسک جستن ایرانیان باستان به ایزدان و ایزدبانوان موکل عناصر طبیعت می‌شد. چراکه میزان حمایتگری ایزد مهر (خورشید) و ایزدبانوی ناهید (آب) با کشاورزی و دامپروری ارتباط داشت. البته این دو شغل نیز از یکدیگر مجزا نبوده و بر هم تأثیرات متقابل دارند. سرسبزی زمین و رونق کشاورزی، چراگاه‌های مناسبی برای دامپروران فراهم می‌آورد. کشاورزی، پیشهٔ توصیه شده در کیش زرتشت است و اهمیت دامپروری در ترکیب اسامی پادشاهان اسطوره‌ای با احشام هویدا می‌شود. گرچه ایزدان و ایزدبانوان مسئولیت باروری و سرسبزی زمین را داشته و حامیان کشاورزینند، اما پادشاهان فرهمند نیز که نماد زمینی ایزد مهرند و دریافت‌کنندهٔ فره کیانی از وی؛ برای ایزدبانوی ناهید به‌منظور جذب حمایتگری وی، قربانی می‌کنند تا بدین‌وسیله از کشاورزی و دامپروری حمایت کرده باشند. پس از پایان دورهٔ ساسانی، وظایف ایزدان، ایزدبانوان و پادشاهان اساطیری به مقدسین و پیامبران واگذار شد و بافندگان فرش ترکیبی از دانسته‌ها و وجوه مشترک آن‌ها را در پهنهٔ فرش به‌تصویر کشیدند. این پژوهش تلاش دارد تا انتقال اسطوره‌های پیشاسلامی و ترکیب مفاهیم نمادینشان را در نقشمایه‌های فرش معاصر مشخص گرداند.

## روش پژوهش

در این پژوهش، مطالعه و گردآوری تصاویر بر اساس نسخ انتشار یافته، فرش‌های موجود در موزه ملی فرش و مجموعه‌های خصوصی یا آرشیو مجموعه‌داران خصوصی صورت گرفته است. مقایسهٔ تطبیقی تصاویر و سپس ارتباطشان با متون نوشتاری که به‌شیوه کتابخانه‌ای گردآوری شده‌اند؛ منجر به نتیجه‌گیری توصیفی و تحلیلی گردید. جامعهٔ آماری پژوهش شامل انواع فرش‌های تصویری با نقشمایهٔ پادشاهان (اسطوره‌ای ایران باستان یا ادوار اسلامی) است که به‌جز تصاویر کتاب تناولی (۱۳۶۸)، شامل سه تخته فرش موجود در موزه ملی فرش و یک تخته فرش متعلق به مجموعه‌دار خصوصی می‌باشد. تحلیل نمادها و وجوه اشتراکشان، چکیده‌نگاری شده است تا سنجش و مطالعهٔ تطبیقی سهل‌تر صورت گیرد.

## پیشینه پژوهش

برای اولین بار، شناسنامهٔ فرش‌های تصویری که حاوی نقوش پادشاهان ایران باستان یا ادوار اسلامی‌اند در کتاب «قالیچه‌های تصویری ایران» توسط «تناولی» (۱۳۶۸) به چاپ رسید که منبع الهام تحقیقاتی با محوریت دیدگاه حاکم بر مشروعیت در عصر قاجار و اهمیت مقام معنوی پادشاهان قاجاری بوده و معیارها و استانداردهای زیبایی‌شناسی نقوش آن دوره از تاریخ را شرح می‌دهد. «شایسته‌فر و صباغ‌پور» (۱۳۹۰) مقاله‌ای با عنوان «بررسی قالی‌های تصویری دوره قاجار» نشر داده‌اند که به‌شیوهٔ توصیفی، سعی در ارائه معیارهای زیبایی‌شناسی فرش‌های

تصویری دارد. «ایمانی، طاووسی، چیت‌سازیان و شیخ‌مهدی» (۱۳۹۴) مقاله‌ای با عنوان «گفتمان باستان‌گرایی در نقوش قالی‌های تصویری دوره قاجار» انتشار داده‌اند که نزدیکترین پژوهش با پژوهش حاضر است. همچنین مقاله «وندشعاری» (۱۳۸۷) با عنوان «اسطوره هوشنگ‌شاه در قالی‌های تصویری دوره قاجاریه» با تمرکز بر هوشنگ‌شاه به شرح قالی‌های اسطوره‌ای پرداخته است. هر دو مقاله اخیر به تحولات دلایل اجتماعی دوران قاجار و تمایل پادشاهان برای نشان دادن مشروعیت معنوی خویش اشاره کرده است. «آهنی، خزایی و عبداللهی‌فرد» (۱۴۰۰) نیز در مقاله‌ای با عنوان «تحلیل نشانه‌های قدرت در قالی‌های تصویری دوره قاجار» با رویکردهای مشابه با دو مقاله پیشین فرش‌های تصویری را نقد کرده‌اند. «کشاوری افشار» (۱۳۸۷) در رساله خود با موضوع «بررسی قالیچه‌های تصویری قرن ۱۳ و ۱۴ هجری» به تصویر انسان در فرش‌های تصویری موجود در موزه فرش ایران پرداخته و رساله «رشادی» (۱۳۹۰) با عنوان «سیر تحول تصویربافی در فرش ایران از دیرباز تا امروز» کار مشابه با رساله پیشین را انجام داده است؛ تنها با این تفاوت که بیشتر بر نمادپردازی‌های پادشاهان باستانی تأکید داشته است. گرچه پژوهش‌های انجام شده ارزشمندند؛ اما نوشتار حاضر بر تحولات اجتماعی در بروز نقشمایه‌های پادشاهان اساطیری تکیه نمی‌کند و به مفاهیم نمادین موجود در لایه‌های زیرین نقوش پادشاهان باستانی اشاره دارد. این پژوهش با تطبیق متون ایران باستان و یافتن وجوه اشتراک با نقشمایه‌های فرش‌های تصویری، به کشف هدف طراحان فرش درباره این نقوش می‌پردازد. اشتراکاتی که از طریق زنجیره‌های متافیزیکی اعم از اجنه و پریان، ایزد مهر و ایزدبانوی ناهید پیشاسلامی یا پیامبران سامی برقرار می‌شود تا عناصر تصویری پادشاهان اسطوره‌ای ایران باستان را با تغییرات روبنایی به نقشمایه‌های تصویری پادشاهان ادوار اسلامی منتقل کند.

## اشتراکات پادشاهان اسطوره‌ای ایران (هوشنگ، تهمورث، جمشید) با پیامبران سامی

### (سلیمان نبی و ادریس)

فرشته خورشید (ایزد مهر) از ادریس (هوشنگ) باد خواست تا او را به آسمان ببرد و خداوند، او را به آسمان چهارم برد (یاحقی، ۱۳۸۶، ۳۳۹). پس از هوشنگ، تهمورث قرار دارد که در روایات اوستایی، تهمورث به ایزد باد پیشکشی داد و از این طریق بر دیوان و جادوان پیروز شد (یشتها، ۲/۱۴۳). پس از تهمورث نیز جمشید قرار دارد. جام جهان‌نما، همان جام جمشید است و خاصیت اسرارآمیزش این است که هر آنچه در دوردست اتفاق می‌افتاد، بر آن منعکس می‌شد (یاحقی، ۱۳۸۶، ۲۷۴). خاصیت جام جمشید، مشابه باد برای سلیمان است. باد صاحب خبر برای سلیمان بود (یاحقی، ۱۳۸۶، ۴۷۴) و باد، صبح و عصر به مقدار یک ماه مسیر را طی می‌کرد (سوره سبأ، آیه و سوره انبیاء، آیه ۸۱). مفسران بسیاری گفته‌اند که بساط سلیمان پانصد فرسنگ بود که وی به باد دستور می‌داد تا آن بساط را با تمام مخلوقاتش بلند کند و به هوا ببرد. (خزاعی‌نیشابوری، ۱۳۷۴، ۲۵۴). «سورآبادی» نیز نقل می‌کند که خورشید، باد و آب از سلیمان خواستند تا وی از خدا بخواهد که آن‌ها را آرام و قرار دهد (سورآبادی، ۱۳۷۰، ۲۸۰). برخی جام‌جم را به علت کشف می در زمان جمشید، همان جام شراب می‌دانند (مرتضوی، ۱۳۳۲، ۲۴). البته اگر شراب را در قیاس با باغوس/ باکوس مورد واکاوی قرار دهیم، ارتباط جمشید با ایزدبانوی ناهید مشخص می‌گردد. برخی محققان میان جام مقدس سلیمان، جام‌جم و همچنین ارتباط فره کیانی (فر جمشید) با جام مقدس و پیوند آن‌ها با مهر در فرهنگ ایرانی مشابهت‌هایی یافته‌اند (واحد دوست، ۱۳۷۹، ۴۴۰). گرچه کیش مهر و فره کیانی کاملاً مطابق نیستند اما پیوندهای مشترکی دارند. در زامیادیش (بندهای ۳۶ و ۳۵) تأکید

می‌شود که هنگام گسستن فره از جمشید، ایزد «مهر» آن را برگرفت و پس از آن فره کیانی در تصرف مهر است و اوست که فره کیانی را از پادشاهان ویرانگر بازپس می‌گیرد. بنابراین هر جا که «مهرآیینی» راه یافته باشد؛ به معنای کیش فره کیانی است. در میان یادمان‌های مهری، قدها و بشقاب‌های فراوانی را می‌توان یافت که از مهرابه و بناهای مربوط به مهر کشف شده‌اند. این قدها هم سرچشمه زندگی را نشان می‌دهند و هم مفهوم مهمی در «کیش جام» به شمار می‌روند (کویاجی، ۱۳۷۱، ۶۲). اما «جام» به آثار مؤلفان اسلامی نیز ورود یافت و آنان از جنی سخن گفته‌اند که برای سلیمان جام‌های شیشه‌ای می‌ساخت تا بدین وسیله او بتواند جن‌ها را زیر نظر داشته باشد (مدرسی، ۱۳۸۵، ۲۳). بعد از اسلام، داستان‌های جمشید و سلیمان چنان با هم آمیختند که برخی فرهنگ‌ها، ذیل واژه «جمشید» نوشته‌اند: اگر نام پادشاهی با لفظ خاتم و نگین و تخت و باد و آصف و ماهی و طیور و امثال آن باشد، مقصود همان سلیمان نبی است (رامپوری، ۱۳۶۳، ۲۵۸). سند دیگر در ارتباط با «فارس» است که ایرانیان آن را مُلک سلیمان و مرکز حکومت جمشیدشاه دانسته‌اند. ایشان، آثار باقی‌مانده از پادشاهان هخامنشی را به جمشید نسبت دادند و نام گرفتن پرسپولیس به «تخت جمشید» اقتباسی از این تفکر است (صدیقیان، ۱۳۷۵، ۱۱۰). در کتاب عجایب‌نامه بر ساخت تخت جمشید توسط دیوان، پریان و اجنه تصریح شده است و علت آن نیز تصور مردم مبنی بر حمل تخته‌سنگ‌های بزرگ از نقاط دوردست به صفة تخت جمشید می‌باشد که منجر به ساختن کاخ‌ها و ستون‌های عظیم آن گردید؛ و گرنه که با وسایل عادی، دست و نیروی انسانی، امری ناممکن می‌نماید (لاری، ۱۳۸۰). این نگرش با اساطیر سامی که خدمات دیوان سلیمان را شرح می‌دهد، مطابقت دارد. فلذا در قرون اسلامی جمشید و سلیمان را یکسان پنداشته و فارس نیز به «تختگاه ملک سلیمان» و پادشاهش به «وارث ملک سلیمان» شهرت یافت (معین، ۲۵۳۵، ۱۱۵؛ یاحقی، ۱۳۸۶، ۲۹۴). رجوع به مقدمه گلستان درباره اتابک ابوبکر بن سعدی زنگی شاهی بر مدعاست که سعدی وی را «وارث ملک سلیمان» و «قائم‌مقام سلیمان» می‌خواند (سعدی، ۱۳۷۱، ۷۰ و ۷۳ و ۱۹۵). علاوه بر آن، آرامگاه کورش در فارس نیز به «مشهد مادر سلیمان» (یاحقی، ۱۳۸۶، ۲۹۴) و استخر فارس به «بارگاه‌های سلیمان» شهرت دارد (طوسی، ۱۳۸۲، ۱۷۸ و ۲۵۵). در فرش‌هایی که نقوش تخت جمشید را دارا می‌باشد، واژه «حضرت سلیمان» به وضوح مشخص است (تناولی، ۱۳۶۸، ۳۷). وجود فرش‌هایی که تصویر خشایارشا در تخت جمشید را ترسیم می‌کنند؛ اما در کادر بالای تصویر واژه‌های «جمشید جم» یا «حضرت سلیمان» نوشته شده است، مصداق‌های فراوانی در فرش‌های تصویری ایران دارد (تناولی، ۱۳۶۸، ۱۷). (تصاویر ۱ و ۲ ج).



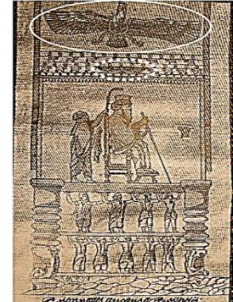
تصویر ۱. فرش از جنس پشم و صحنه‌ای از تخت جمشید، محل بافت: راور کرمان، تاریخ: ۱۳۲۵ ه.ش، ابعاد ۱۲۸×۶۰ سانتیمتر. منبع: تناولی، ۱۳۶۸، ۱۵۷.

توضیحات: سمت راست فرش دارای فره کیانی/فروهر در بالای سر پادشاه است و سمت چپ، جام‌جم در دست پادشاه قرار دارد.

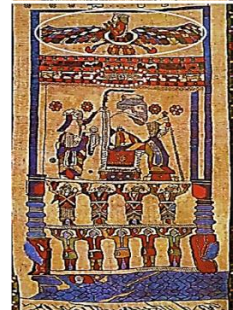
تعداد اورنگ‌بران در هر دو سمت عدد فرد است. (عدد ۹ و ۱۳).

طبرسی، نمونه اصلی «محاریب» را معبد معروف سلیمان در اورشلیم می‌داند. چراکه مصادق محاریب کاخ‌هایی با وجوه آئیند و مردم ایران ابنیه شگفت‌آور را به جمشید یا سلیمان نسبت می‌دهند. از این بابت، بارگاه جمشید یا «تخت جمشید» و معبد سلیمان را یکی دانسته؛ و یا تخت سلیمان در آذربایجان غربی که آتشکده آذرگشنسب دوره ساسانی است را در دسته محاریب قرار می‌دهند (غلامی، ۱۳۸۶) (تصاویر ۱ و ۲).

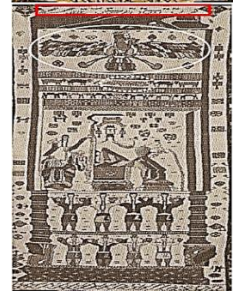
**تصویر ۲. الف.** فرش از جنس پشم، تاریخ: ۱۳۱۱ شمسی. ابعاد: ۱۹۸ × ۱۲۵ سانتیمتر، در سال ۱۹۷۰ م. توسط موزه آرمیتاژ سن پترزبورگ خریداری شد. منبع: [Ander, 1995, 45](#). توضیحات: در تمام تصاویر ۲. در بخش‌های الف، ب و ج یکسان است: وجود فروهر در بالای تصویر نمادی از فره و تعداد اورنگ‌بران عدد فرد است (عدد ۹).



**تصویر ۲. ب.** فرش از جنس پشم و ابعاد ۲۰۳ × ۱۴۱ سانتیمتر، محل بافت: قشقایی فارس، تاریخ: ۱۲۴۵-۱۲۴۹ شمسی.



**تصویر ۲. ج.** فرش از جنس پشم، در حاشیه بالای فرش [کادر مستطیل] حاوی نوشته‌ای به خط فارسی است: «حضرت سلیمان» وجود دارد. تاریخ: ۱۲۲۲ ه.ق.



به نظر می‌رسد گروهی از ایرانیان در نسبت دادن حکایات مربوط به پیامبران الهی از جمله سلیمان به پادشاهان اساطیری ایران باستان تعمد داشته‌اند (دزفولیان و صحرايي، ۱۳۸۹). چراکه نسبت یافتن پادشاهان ایرانی به پیامبران الهی و انتساب پاره‌ای از بناهای تاریخی و فرهنگی پیشاسلامی ایران به حضرت سلیمان، حفاظت بناهای تاریخی از آسیب متعصبان را تضمین می‌نمود (اوشیدری، ۱۳۷۱، ۲۳۵). گرچه سلیمان و جمشید در داستان‌ها وجوه اشتراک بیشتری دارند و اجنه سلیمان به همراه سربازان تخت جمشید، تلمیحی از «جمشیدشاه» را به وجود می‌آورند؛ اما حضور نام «هوشنگ‌شاه» در بالای فرش که برای معرفی پادشاه بر تخت نشسته (سلیمان یا جمشید) آمده است؛ هوشنگ، جمشید (پادشاهان اُسطوره) و حضرت سلیمان (ع) را یک نفر معرفی می‌کند (تصویر ۳).





تصویر ۳. ب. فرش  
هوشنگ‌شاه، محل بافت:  
اطراف همدان، تاریخ بافت:  
قرن سیزدهم هجری.  
منبع: تناولی، ۱۳۶۸، ۱۲۸.

توضیحات: دو کادر سفید مشتمل بر نام هوشنگ شاه و فره کیانی به همراه سه ردیف سربازان تخت‌جمشید (۱۵ نفر) با دو وزیر در سمت راست و چپ (تعداد سربازان فرد است).



تصویر ۳. الف. فرش  
هوشنگ‌شاه، مالک: محمد  
جوانمردی، محل بافت:  
تیمچه گل بازار وکیل شیراز،  
تاریخ بافت: ۱۳۱۳. منبع:  
نگارنده.

توضیحات: دو کادر سفید مشتمل بر نام هوشنگ شاه و فره کیانی به همراه هفت نفر در اطراف پادشاه و پنج نفر در قسمت زیرین با لباس سربازان تخت‌جمشید و دو وزیر در سمت راست و چپ (تعداد سربازان فرد است).

## جن و پری در داستان‌های سلیمان نبی و جمشید

گرچه در ادبیات دینی فارسی میانه و در نوشته‌های پهلوی، پری موجودی اهریمنی با نیروی جادویی است که می‌تواند هر زمان که بخواهد نماد و پیکر خود را تغییر دهد تا پهلوانان را بفریبد و به دام و دهشن مزدا آسیب برساند (سرکاراتی، ۱۳۵۰)؛ اما معین «پری» را موجودی متوهم و نامرئی؛ و مؤنث جن که می‌تواند با انسان خاکی جفت‌گیری کند، معرفی می‌کند (معین، ۱۳۸۱، ۲۴۹). یکی از پریان که نقش مهمی در داستان‌های سلیمان نبی دارد، ملکه سبا (بلقیس) می‌باشد که موجودی پری‌زاد است. پدر بلقیس، در شکارگاه مار سیاهی می‌بیند که بر مار سفیدی پیچیده و قصد هلاکش را دارد. او به مار سفید کمک می‌کند و می‌رهاندش. مار سفید که در جدال زخمی و بی‌جان شده، توسط پدر بلقیس کنار رودخانه رها می‌شود. پدر بلقیس چون به خانه می‌رسد: «... مردی دید در میان خانه ایستاده نیکوروی ... گفت: من ... پسر مهتر پریان و آن مار سفیدم که برهانیدی ... ، مرا خواهری است ... اگر خواهی تا او را به زنی تو دهم ...» (عبداللهی، ۱۳۸۱، ۱۰۱۲). سپس پدر بلقیس با آن پری که خواهر مار سفید بود ازدواج کرد و بلقیس از آن پری زاده شد. ارتباط پری به‌عنوان مؤنث جن و مار سفید را می‌توان در واژه‌شناسی ادبیات عرب یافت؛ چراکه واژه «جان» به‌گونه‌ای از مار سفید اطلاق می‌شود و از فعل جن (پوشانید)، هم‌خانواده جنون و جن است. از این بابت، اعراب جن و مار سفید را از یک خانواده می‌دانند (تاواراتانی، ۱۳۸۵، ۱۲). ازدواج پریان با انسان‌ها که معین بدان اشاره کرده است؛ عامل اشتراک داستان ازدواج پدر بلقیس و جمشید می‌باشد. جمی که خواهر جمشید و در اساطیر ایرانی و هندی از وی یاد شده است نیز داستانی در روایات پهلوی دارد. جمی و برادرش، جم پس از به شاهی رسیدن ضحاک به‌سمت دریای زره فرار می‌کنند. دیو و یک پری به دنبالشان می‌روند و پس از آشنایی، با هم قرار می‌گذارند که جمی همسر دیو بشود و آن پری همسر جم (عقیفی، ۱۳۹۷، ۴۹۰). به این نحو، جمشید با پری در بن دریای فراخکرت، ازدواج می‌کند (مدرسی، ۱۳۸۵). بنابراین،

وجود پریان در داستان جمشید و سلیمان نبی از دیگر وجوه اشتراک آنان است. در فرش‌های مربوط به حضرت سلیمان همانند فرش‌های هوشنگ‌شاه دو جن در پایین تختگاه وی قرار دارند، تنها با این تفاوت که اجنه حضرت سلیمان ایستاده‌اند ولی اجنه هوشنگ‌شاه نشسته هستند (تصویر ۴).



تصویر ۴. ب. فرش سلیمان، تاریخ: قرن سیزدهم شمسی، محل بافت: کاشان. منبع: نگارنده.



تصویر ۴. الف. فرش سلیمان، تاریخ: قرن سیزدهم شمسی، شماره: ۱۶۹۲، محل بافت: تهران. منبع: نگارنده.

## اشتراکات اسطوره‌ای میان هوشنگ و فریدون

مطابق شاهنامه، پیدایش آتش به هوشنگ پیشدادی منسوب است و گویا تا زمان هوشنگ‌شاه، آتش ناشناخته بود. از این روی، ایرانیان باستان «سده» را جشن پیدایش آتش نام گذاردند. البته برای جشن سده، به صد رسیدن تعداد فرزندان گیومرث را نیز قید کرده‌اند. اما داستان دیگر آن به فریدون ارتباط دارد. پس از آنکه فریدون بر ضحاک پیروز شد، آشپز ضحاک (ارمایل) را عقوبت کرد. اما او مدعی شد که تعدادی را از مرگ رها نموده و به کوه دماوند فرستاده. فریدون پذیرفت و با سپاهی به سمت دماوند رفت. ارمایل به آنان گفت بر بام‌ها آتش بیفروزند تا تعدادشان مشخص شود و آن شب مصادف با دهم بهمن ماه بود که جشن سده نامیده شد (بیرونی، ۱۳۱۸، ۲۵۸). بنابراین بنیانگذار جشن سده هم فریدون است و هم هوشنگ. علاوه بر آن، نقاط اشتراک دیگر فریدون و ادریس (هوشنگ)، دانستن علم نجوم و جادو (یاحقی، ۱۳۸۶، ۶۳۴ و ۸۶) و یاری جستن از ایزدبانوی ناهید است. هوشنگ یکصد هزار اسب، هزار گاو و ده هزار بره قربانی کرد و بدین طریق صاحب فره کیانی شد. فریدون نیز برای ایزدبانوی ناهید گله‌های گاو و اسب قربانی کرد. قربانی نمودن، عامل مشترک میان گیومرث، هوشنگ، جمشید و فریدون است. برخی روایات اسلامی، حکومت بیوراسب/ضحاک و مجاهدت‌های فریدون را با نوح هم‌زمان دانسته‌اند (بیرونی، ۱۳۷۷، ۲۹۲). در تصاویر فرش‌های متعدد مربوط به هوشنگ با دو نمونه از نمایش ایزد مهر مواجه هستیم. اول: یک گوی خورشیدسان مهر در پشت تختگاه پادشاه که پادشاه شمشیر خود را به صورت ایستاده در دست گرفته است. باقی اجزاء تصویر از جمله اجنه نشسته در پای تختگاه، اعداد فرد که برای تعداد افراد حاضر در صحنه فرش به جز پادشاه انتخاب شده است و سربازان تخت‌جمشیدی در بخش زیرین فرش مشترک است (تصویر ۵) که وجه اشتراکشان حضور گوی خورشیدسان به نماد ایزد مهر است. در گروه اول از این نمونه فرش‌ها شاهد دو ترکیب‌بندی هستیم. الف. تعداد سربازان تخت‌جمشید در پایین تصویر، چهار نفر است و با یک نفری که در سمت راست پادشاه قرار گرفته، به پنج نفر تبدیل می‌شوند (تصویر ۵. الف و ب). ب. تعداد سربازان تخت‌جمشید در پایین تصویر، پنج نفر است و با دو نفری که در دو سمت پادشاه قرار گرفته‌اند یک گروه هفت نفری را تشکیل می‌دهند (تصاویر ۵. ج و د).



تصویر ۵. د. فرش هوشنگ‌شاه  
هوشنگ‌شاه، محل بافت: اطراف  
با دیپلمات‌های فرنگی، محل  
بافت: اطراف ملایر، تاریخ:  
۱۳۲۰ هجری. منبع: **تناولی،**  
۱۳۶۸، ۱۳۰.



تصویر ۵. ج. فرش  
هوشنگ‌شاه، محل بافت: اطراف  
ملایر قشقای، تاریخ: اواخر قرن  
سیزدهم هجری. منبع: **تناولی،**  
۱۳۶۸، ۱۴۸.



تصویر ۵. ب. فرش  
هوشنگ‌شاه، محل بافت: بلوچ،  
خراسان، تاریخ: اوایل قرن  
چهاردهم هجری. منبع: **تناولی،**  
۱۳۶۸، ۱۵۰.



تصویر ۵. الف. فرش  
هوشنگ‌شاه، محل بافت: اطراف  
ملایر، تاریخ: قرن سیزدهم  
هجری. منبع: **تناولی، ۱۳۶۸،**  
۱۳۲.

دوم: دو گوی خورشیدسان، دو بوتۀ گل یا دو کوتوله در دو سمت سر پادشاه وجود دارد؛ که گوی‌های خورشیدسان نماد ایزد مهر است و گل‌های سرخ نماد ایزدبانوی ناهید است. در این تصاویر یا پادشاه، شمشیری در دست ندارد یا شمشیر به صورت خوابیده روی زانوی پادشاه قرار گرفته است که شاید نمادی از صلح و آرامش باشد. ضمناً، در این بخش از فرش‌های هوشنگ‌شاهی حتماً شیری حضور دارد. در اسطوره‌های ایران باستان، شیر نمادی از ایزد مهر و ایزدبانوی ناهید است، اما با یک تفاوت می‌توان شیر ناهید را از شیر مهر بازشناخت. شیر بدون نماد چلیپا/ خورشید، نماد ایزدبانوی ناهید و اما به همراه علامت چلیپا/ خورشید نماد ایزد مهر است (**پشوتنی‌زاده، ۱۳۹۴**). بنابراین، حضور شیر، تأکیدی از ایزد مهر و ایزدبانوی ناهید است (تصویر ۶).



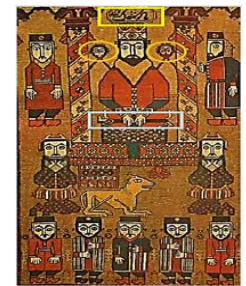
تصویر ۶. د. فرش  
هوشنگ‌شاه، محل بافت:  
اطراف همدان یا زرند، تاریخ:  
۱۳۱۲ هجری. منبع: **تناولی،**  
۱۳۶۸، ۱۳۶.  
توضیحات: دو گل سرخ.



تصویر ۶. ج. فرش  
هوشنگ‌شاه، محل بافت:  
اطراف ملایر تاریخ: ۱۳۰۱  
هجری. منبع: **تناولی، ۱۳۶۸،**  
۱۳۸.  
توضیحات: دو انسان کوچک.



تصویر ۶. ب. فرش  
هوشنگ‌شاه، محل بافت:  
اطراف همدان، تاریخ: اوایل  
قرن چهاردهم هجری. منبع:  
**تناولی، ۱۳۶۸، ۱۴۰.**  
توضیحات: دو گوی  
خورشیدسان در دو سمت  
پادشاه به نماد ایزد مهر و  
ایزدبانوی ناهید.

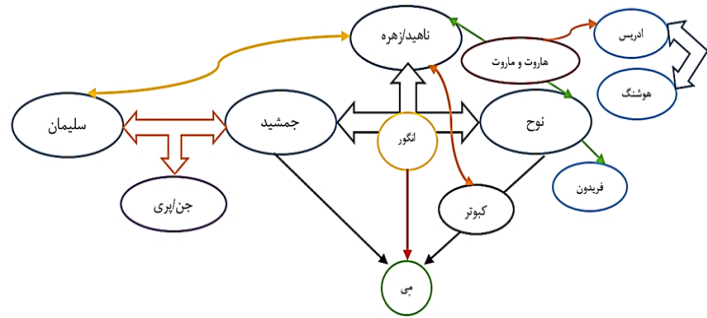


تصویر ۶. الف. فرش  
هوشنگ‌شاه، محل بافت: همدان،  
درگزین، تاریخ: اواخر قرن  
سیزدهم هجری. منبع: **تناولی،**  
۱۳۶۸، ۱۳۴.  
توضیحات: دو گوی خورشیدسان  
با دو رنگ متفاوت سفید و زرد  
در دو سمت پادشاه به نماد ایزد  
مهر و ایزدبانوی ناهید.



## ایزدبانوی ناهید، پُل اشتراک نوح و جمشید

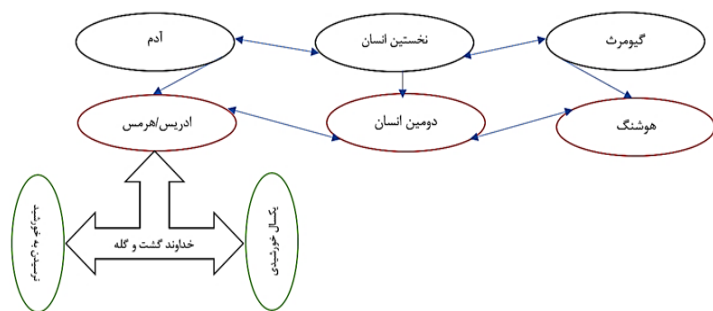
گرچه قصه کشتی نوح (ع) و وَر جمکرد (باغ جمشید) بسیار مشابه‌اند؛ اما مشابهت دیگرشان، نماد «انگور» است که مرتبط با ایزدبانوی ناهید می‌باشد. در روایات نوروزنامه، پادشاهی از اعقاب جمشید منتسب به کاشتن بذر انگور است؛ اما ادبیات دینی مسیحیان، کاشتن انگور و ساختن شراب را به نوح (ع) نسبت می‌دهد. بسیاری از روایات نیز، کشف می را منسوب به جمشید دانسته و شرح آن اینطور آمده است که چون انگور فاسد می‌شد، آب آن را گرفتند تا ماندگاری آن بیشتر شود. پس از گذشت مدت کوتاهی، آب انگور تلخ شد و جمشید پنداشت که تبدیل به زهر شده است، پس آن را در خمره کرد. اتفاقاً یکی از کنیزان شدیداً بیمار شد، چنانکه بنابه خودکشی نمود. وی، از عصاره انگور خورد و پس از آن دردش کم شد. او شرح این اتفاق را به جمشیدشاه گفت. جمشیدشاه نیز از آن نوشید و پس از این واقعه، شراب را در رفع بیشتر امراض به‌کار گرفتند؛ فلذا نام آن را «شاه دارو» نهادند که سبب شفای بیماری‌ها است (یاحقی، ۱۳۸۶، ۷۹۹). تاکستان‌های یونان و روم باستان به «باکوس/باغوس» شهرت داشت این واژه به‌زبان ارمنی «باکوس» و در زبان روسی «بوگ»/ «بِغ» تلفظ می‌شود که به‌معنی «خداوند» است (اکبری و الیکای‌دهنو، ۱۳۸۴، ۴۳). «مری بویس» معتقد است که لفظ «بانو»/ «بِغ» مشخصاً عنوان بین‌النهرینی «الهه» است که برای ایشتر/ ایزدبانوی ناهید کاربرد داشته (ثمودی، ۱۳۸۷، ۳۷ و ۳۶). «بغدخت» مرکب از «بِغ» به‌معنی خدا/ ایزد و «دخت» به‌معنی دختر و با هم تبدیل به «دختر- خدا»/ «خدا- دختر (ایزدبانو)» می‌گردد که از روزگاران قدیم لقب ایزدبانوی آناهیتا و ستاره ناهید/ زهره بوده است. «بغدخت» در زبان پارسی با تحول «غ» به «ی» مواجه گردید و مبدل به «بیدخت» شد (فروهوشی، ۱۳۷۴، ۱۶۵). بنابراین، باکوس/باغوس با ایزدبانوی ناهید ایرانی ارتباط دارد. همین فرم در روایات اسلامی در قالب عزا و عزایا (هاروت و ماروت/ خرداد و امرداد امشاسپند/ هئوروتات و امرتات) وجود دارد که دو فرشته‌اند و برای حُکم کردن به زمین می‌آیند. زنی از فرزندان نوح، به‌نام زهره که در فارسی «بیدخت» و در عبری «آناهید» گفته می‌شود، شکایت شوهرش را نزد اینان برد. آن‌ها بر وی فتنه شدند و عصاره انگور نوشیدند. او نیز نام مهین خدای (اسم اعظم) را از ایشان آموخت و به آسمان رفت (یاحقی، ۱۳۸۶، ۴۳۳ و ۴۳۲). در این متون، ارتباط میان ایزدبانوی ناهید، نوح (ع)، شراب و جمشید هویداست. شراب به‌عنوان نمادی از ایزدبانوی ناهید است که با جمشیدشاه و نوح (ع) مرتبط است. جمشید خواسته‌های بسیار از آناهیتا داشت و برایش قربانی می‌کرد؛ ناهید نیز خواسته‌های جمشید را برآورده می‌ساخت (مدرسی، ۱۳۸۵، ۳۱). ایزدبانوی ناهید/ ایزدبانوی آب، طبق تورات و قرآن در داستان طوفان نوح به‌صورت جوشیدن آب از زمین و باران بسیار از آسمان نمود می‌یابد. در داستان نوح، کشتی بر بالای کوه آرارات فرو می‌نشیند (سفر پیدایش تورات: باب هشتم) و این کوه همان جایست که در قرآن، به‌نام «جودی» آمده است (هود: ۲۴) و هرت و مرت (دستیاران خدای تاکستان‌ها) هستند که باده‌ها را مجبور می‌سازند تا باران فراهم آورند و بر آرارات ببارند (یاحقی، ۱۳۸۶، ۸۶۴). بنابراین عنصر «باد» و «باران/ آب» از اجزاء مهم این متون‌اند. پس از آن، نوح (ع) ابتدا کلاغ و بعد کبوتر را فرستاد تا از فروکش نمودن آب برای پیاده شدن از کشتی، خبر بیابورند. کلاغ بازنگشت و مشغول لاشه‌خواری شد، پس نوح کبوتر را فرستاد. چون کبوتر بازگشت و اخبار خوش آورد، لقب «قاصد نوح (ع)» به وی اعطا شد. کبوتر، در اساطیر ایران محترم است و به «پیک ایزدبانوی ناهید» شهرت دارد (یاحقی، ۱۳۸۶، ۶۲۲) (نمودار ۱).



نمودار ۱. ارتباط و وجوه اشتراک میان پیامبران ادیان سامی با پادشاهان اسطوره‌ای و پیشاسلامی ایران.  
منبع: نگارنده.

## ادریس و مهر در ارتباط با هوشنگ، فریدون و جمشید

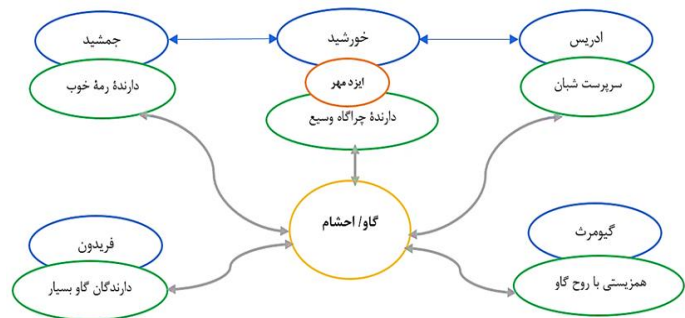
گیومرث که نخستین انسان از عالم مینوست با روح گاو نخستین می‌زیست و بعد به روح او کالبد بخشیده شد (یاحقی، ۱۳۸۶، ۷۱۴). پس از گیومرث (جایگزین آدم)، هوشنگ (جایگزین ادریس) بر تخت نشست. ادریس پس از آدم و دومین پیامبر بود. در قرن سوم هجری، صابئان حران/استایشگران آب او را که حامی کشت و گله بود، پیامبر خود و صاحب کتاب آسمانی می‌دانستند. او در حالی که بره‌ای به دوش گرفته، به سرپرست شبان شهرت یافت که سیصد و شصت و پنج سال (معادل روزهای یک‌سال خورشیدی) در زمین بزیست و فقط یک ساعت جان از او جدا شد و آن هنگام غروب آفتاب بود. وقتی ادریس را به آسمان بردند، سوزن و کمی نخ<sup>۳</sup> همراه داشت و به همین سبب نتوانست از آسمان چهارم/ فلک خورشید فراتر رود. صابئان، ادریس را با هرمس مطابقت دادند و در قرون وسطی نیز هرمس را همان هوشنگ ایرانیان می‌پنداشتند (نصر، ۱۳۴۱). هوشنگ بنابر روایات، دومین پادشاه ایران پس از گیومرث است (یاحقی، ۱۳۸۶، ۸۹۵ و ۸۹۶) و وجه اشتراک هوشنگ و ادریس، قرار گرفتن در مقام دوم است. در اعلام قرآن، ادریس سه صفت نبوت، سلطنت و حکمت را دارد (خزایی، ۱۳۴۱، ۸۸) و داستان هاروت و ماروت در زمان ادریس اتفاق افتاد (ابن قیسرانی، ۱۳۸۲، ۱۱) (نمودار ۲).



نمودار ۲. مشابهت میان گیومرث و هوشنگ با حضرت آدم و ادریس.  
منبع: نگارنده.

در توصیف ادریس، به کشاورزی، شبانی و خورشید اشاره شده است. جمشید نیز با صفت خورشید، «شید» خوانده می‌شود. «شید»/ «خشث» صفت «خور» است (یاحقی، ۱۳۸۶، ۲۹۱). ایزد مهر نیز در ارتباط با خورشید و ملقب به «دارنده چراگاه وسیع» است. مطابق اسطوره‌های مهری، خون گاو مسبب پیدایش تمام موجودات زمین شد (ماسون و پوگاچنکووا، ۱۳۸۴، ۹۹). در مهریشت، برای ایزد مهر وظایفی چون نگهداری کشتزارهای فراخ، پاسبانی از مردم و آسایش آن‌ها تعریف شده است (مهریشت). جمشید، «دارنده رمه خوب» و فریدن از نسل

«دارندگان گاو بسیار» است. «ابوریحان بیرونی» در «آثارالباقیه» به اینکه تمامی اجداد فریدون دارای اسامی ترکیبی با واژه «گاو» هستند، اشاره می‌کند. «بندش» نیز پدر فریدون را آبتین به معنی «دارنده گاو بسیار» تعبیر کرده است (فرنیغ‌دادگی، ۱۳۶۹، ۵۸). سپرده شدن وی به نگهبان گاو هم این پیوند را محکمتر می‌کند و پس از چیرگی بر ضحاک نیز، رهانیدن گاوهای ائغیان که به دست ضحاک اسیر بودند، از دیگر ارتباطات فریدون با «گاو» است (بیرونی، ۱۳۷۷، ۲۹۶). اصلاً نام «کاو» که با بر چوب کردن پیش‌بند چرمی (چرم گاوی) مسبب پادشاهی فریدون شد، همان واژه «Cow» در انگلیسی است که با تغییر بسیار جزئی از «کاو» اشتقاق یافته است. سپس، «بلعمی» به قربانی نمودن گله‌های گاو برای ایزدبانوی ناهید توسط فریدون صحنه می‌گذارد (بلعمی، ۱۳۸۰، ۱۴۷). حتی زمانی که ضحاک از فریدون امان می‌خواهد و او را به خون جدش قسم می‌دهد، فریدون به خون گاو نری که در خانه جدش بوده سوگند یاد می‌کند که او را بکشد (فردوسی، ۱۳۱۵، ۶۵). ادریس نیز بره‌ای بر دوش دارد. به‌علاوه، گردیزی در شرح نوروز، جمشید را نشسته بر گوساله‌ای توصیف می‌کند که به سوی جنوب روان است و دیوان را مغلوب خویش ساخته (گردیزی، ۱۳۴۷، ۲۴۱). در باور ایرانیان باستان، جنبش گاو مسبب پیدایش سال جدید و آغاز نوروز می‌باشد و گذاشتن تخم‌مرغ روی آئینه و اعتقاد به چرخش آن هنگام تحویل سال به دلیل افکندن کره زمین از شاخی به شاخ دیگر گاو است (یاحقی، ۱۳۸۶، ۶۹۲). علاوه بر این، به نماد مهر در تاج خورشیدسان پادشاه که هنگامه مهرگان و نوروز بر سر می‌گذارد اشاره شده است. مردم نیز با دیدن جمشید که چون خورشید می‌درخشد حیرت‌زده می‌شوند و می‌پندارند که دو خورشید در آسمان است (بیرونی، ۱۳۷۷، ۲۸۰). در مورد وجه تسمه جشن مهرگان نیز زایش مهر/ خورشید مطرح است و دیگر آنکه در این روز بود که فریدون را از شیر گرفتند و او بر گاو سوار شد و در آسمان گاوی نورانی پدید آمد که شاخ‌هایش از طلا و پاهایش از نقره بود و چرخ قمر را می‌کشید (یاحقی، ۱۳۸۶، ۷۹۳) (نمودار ۳).



نمودار ۳. ارتباط پیامبران و پادشاهان با گاو و خورشید. منبع: نگارنده.

بنابراین گاو، گله، بره و کلاً امر دامپروری و کشاورزی در ارتباط با مهر و ناهید است. ناهید/ زهره در فلک سوم جای دارد و جایگاه خورشید/ مهر در فلک چهارم است. در آبان‌یشت، مهر و ناهید با یکدیگر پیوسته‌اند. گاهی در نقش چشم یکدیگرند و گاهی ناهید، نقش مادری را برای مهر ایفا می‌کند یا کره خورشید/ مهر، سرچشمه رود ناهید می‌گردد. در مهریشت نیز مهر به ماه تشبیه شده (مهریشت) و از این روی، کشیدن چرخ قمر توسط گاوی که فریدون بر آن سوار است، بیانگر مفهوم مهر می‌باشد. زهره/ ناهید نیز در داستان هاروت و ماروت با ادریس و نوح ارتباط ظریفی می‌یابد. ادریس به این جهت که سیصد و شصت و پنج سال بزیست مشابه با ایزد مهر است (یاحقی، ۱۳۸۶، ۸۷) و چون ادریس دومین پیامبری بود که به فره کیانی/ سلطنت دست یافت، با سلیمان مشابهت

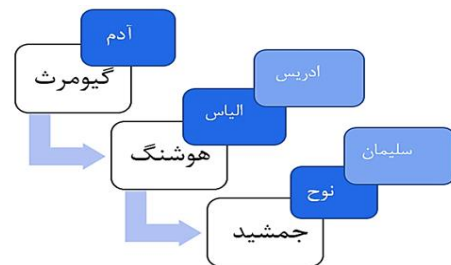
دارد. فره کیانی نیز از جمشید به مهر و سپس به فریدون رسید. به گواه زامیادیش، جمشید مدت زیادی از فره برخوردار بود (عفیفی، ۱۳۹۷، ۴۸۷). این فره را اهورامزدا به وی اعطا کرد و سپس فره پادشاهی را جمشید از ایزد میترا/مهر/خورشید گرفت؛ چنانکه جم به ایزد روشنی در زمین و میترا به ایزد نور آسمانی تعبیر شده است (وارنز، ۱۳۸۶، ۲۶۶). درون مایه تصویری این نمونه از فرش‌ها بر مدار پادشاهان ایران باستان استوار است و از این روی، چند نماد تکرارپذیر قابلیت پیگیری دارد. جایگاه نخست از آن سربازان تخت جمشید است که در بخش زیرین تصویر (معمولاً یک سوم پایین) قرار دارد. تعداد این سربازان چهار یا پنج نفر می‌باشد. اما در کل، تعداد سربازان به همراه پادشاه یک گروه پنج یا هفت نفری را تشکیل می‌دهند. میانه فره به ملازمان پادشاه اختصاص دارد و ایشان به فرم دیوان/اجنه (تصاویر ۳، ۵ و ۶) یا انسان (تصویر ۷) در کنار تختگاه ظاهر می‌شوند. این بخش از فرش، نمایانگر ترکیب روایات اسلامی با داستان‌های پادشاهان اسطوره‌ای ایران است. فره کیانی در بالاترین بخش فرش جای دارد، چراکه نمادی از ایزد مهر و نگاهدار فره کیانی می‌باشد. فرهمندی پادشاه توسط دو عامل تصویری به نشانه حمایت وی توسط ایزد مهر می‌باشد که یا نماد فروهر است (تصاویر ۱ و ۲) یا خورشیدیست که زیر نام پادشاه و در پشت تختگاه پادشاهی قرار دارد (تصاویر ۳، ۵، ۶ و ۷).

## هوشنگ و جمشید؛ الیاس و ادریس

شبهات‌های هوشنگ و جمشید و علی‌الخصوص نیای مشترکشان، به همراه وجوه اشتراک جمشید و فریدون یا جمشید و سلیمان نبی، مسبب آمیختگی اسطوره‌ها و داستان‌های ایشان با یکدیگر شده است. اسم «هوشنگ» به معنی «بخشنده جایگاه خوب» می‌باشد؛ بنابر روایات، وی دومین پادشاه ایران است و پس از گیومرث<sup>۶</sup> که به خواست اهورامزدا و امشاسپندان<sup>۴</sup> بر هفت کشور سلطنت یافت؛ او نه تنها فرمانروای آدمیان بود، بلکه دیوان را نیز منکوب و مقهور خویش ساخت. دوران پادشاهی هوشنگ، امنیت و آسایش حکمفرما بود و در روایات شاهنامه، هوشنگ نخستین کسی است که فلزات را استخراج نمود، همچنین آهنگری و آتش را کشف کرد. به علاوه، وی آبیاری زمین‌های زراعی، کشاورزی و تهیه پوشاک را آموزش داد (یاحقی، ۱۳۸۶، ۸۹۵ و ۸۹۶). جمشید نیز برای نخستین بار، سلاح، شمشیر، کرباس، دوختن جامه (ابن ندیم، ۱۳۴۶، ۲۲)، رشتن و تولید ابریشم<sup>۵</sup> و رنگ‌های الوان را به کار گرفت. وی دیوان را به اطاعت از خود و ساختن آجر، بنای خانه و گرمابه وادار کرد (بلعمی، ۱۳۸۰، ۱۳۰). صاحب فارسنامه آورده است: جمشید، چون دیوان و شیاطین را مسخر خویش گردانید، ایشان را به کارهای سخت گماشت (صدیقیان، ۱۳۷۵، ۸۱). جمشید علاوه بر ساختن «وَرِ جَمکرَد»، خانه را نیز بنا می‌کند و به نقل از «بلعمی»، هوشنگ، شهر بابل و شوش را پایه‌گذاری می‌کند و مسجد می‌سازد (بلعمی، ۱۳۸۰، ۲۲۸)، از این روی، می‌توان هر دو را در وجه سازندگی مشابه دانست. به دلیل اینکه، واژه «جمشید» معادل «دارنده رمه خوب» است، او را به خورشیدی در آسمان تشبیه کرده‌اند که ستارگان همچون گوسفندان اویند. هوشنگ نیز بنابه روایات در جایگاه خورشید قرار دارد و دارنده لقب «جایگاه خوب» می‌باشد. به همین جهت، هر دو در جایگاه خوب (مکان خورشید و آسمان) قرار دارند. تشابه دیگر در تهیه پوشاک، فلزات و آهنگری/ساخت اسلحه، معماری و اهدای قربانی برای ایزدبانوی ناهید است. مطابق روایات «ابن ندیم»؛ ابلیس به جمشید «نوشتن» را می‌آموزد و سپس جمشید، نوشتن را به مردمان انتقال می‌دهد (ابن ندیم، ۱۳۴۶، ۲۲). اگر ادریس را همان هوشنگ پیشدادی فرض کنیم، وجه اشتراک دیگر جمشید با هوشنگ/ادریس<sup>۷</sup>، «نوشتن» است (یاحقی، ۱۳۸۶، ۸۶). ادریس و جمشید با نماد گاو و بره (رمه) عجین هستند و ایزد مهر و باد، عوامل جدایی‌ناپذیر آن دو می‌باشند. سلطنت بر هفت کشور



میان هوشنگ و جمشید و سلیمان نیز مشترک است. در قرآن بارها نام الیاس آمده است و در اعلام قرآن، الیاس<sup>۷</sup> با ادریس همسان است (خزایی، ۱۳۴۱، ۱۸۷). برخی از مفسران در سوره انعام، آیه ۸۵ و سوره الصافات، آیه ۱۲۳، الیاس را همان ادریس معرفی کرده‌اند و ویژگی‌ها و داستان‌های ادریس را در ذیل این آیات برای «الیاس» آورده‌اند (طبرسی، ۱۳۷۲، ۵۱۰). در اعلام قرآن «الیاس» به «آس» یا گیاه مورد<sup>۸</sup> نزدیک دانسته شده و به‌همین دلیل «آس» را مظهر سرسبزی و جاودانگی می‌دانند (خزایی، ۱۳۴۱، ۱۹۲). این گیاه، نماد آفرینش آغازین ایزدبانوی ناهید است (یاحقی، ۱۳۸۶، ۷۷۶) و بنابراین الیاس با ناهید و ادریس مرتبط است. از جانب دیگر، چون نوروز جشنی برای ستودن ایزدبانوی آب/ ناهید<sup>۹</sup> است، شباهت‌هایی میان ادریس/ هوشنگ و جمشید را بیشتر می‌کند. بنیان نهادن جشن «خرم‌روز» یا «نودروز» را که اولین جشن از جشن‌های چهارگانه دی‌ماه است، به هوشنگ منسوب بوده و بنابر روایات پارسیان، جشن اتحاد هوشنگ و برادرش است (بیرونی، ۱۳۷۷، ۲۹۵). مشابهت واژه «دی» و «خور» را در تقویم زرتشتیان می‌توان یافت. روز یازدهم هر ماه، «خیر»/ «خور» نام دارد که روز «خورشید» است. «دی» نیز به‌قول «بیرونی»، نام ماه دهم هر سال است که «خور ماه» نیز نامیده می‌شود (یاحقی، ۱۳۸۶، ۳۳۸). واژه «نودروز» به لحاظ تلفظی با «نوروز»<sup>۱۰</sup> مطابقت دارد؛ چه اگر منظور «نود» بود، باید با فاصله از واژه «روز» نوشتار می‌شد. به‌هر حال اگر مقصود «نود» باشد، تلویحاً به نود روز باقی مانده تا نوروز اشاره دارد. چراکه ایرانیان آخرین روز پاییز (شب یلدا) را برای آفرینش و تولد ایزد مهر (خورشید) جشن می‌گیرند (یاحقی، ۱۳۸۶، ۹۱۳)؛ به‌علاوه، خورشید در منابع کهن ایران نماد سلطنت، اقتدار و درفش شاهی است (یاحقی، ۱۳۸۶، ۳۳۹). لذا اولین روز دی ماه، اولین روز بازآمدن خورشید است و با آنچه بیرونی دربارهٔ برابری خور و دی اعلام کرده، مطابقت دارد. جمشید نیز رب‌النوع آفتاب است و از محل طلوع خورشید ظهور می‌کند (کارنوی، ۱۳۴۱، ۷۸). از این بابت، با در نظر گرفتن خصوصیات مشترک پادشاهان ایرانی با پیامبران سامی، درهم‌آمیختگی داستان‌ها و نقشمایه‌های فرش ایرانی امری بدیهیست (نمودار ۴).



نمودار ۴. مطابقت داستان‌ها و خصلت‌های مشترک میان پادشاهان ایرانی و پیامبران سامی. منبع: نگارنده.

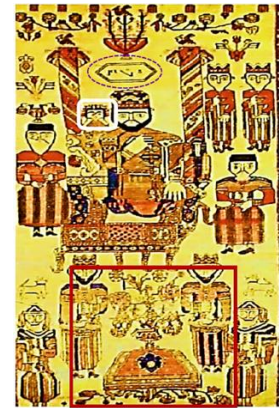
## فرش‌هایی با نقوش پادشاهان اسلامی / نادر شاه

در تصاویر پادشاهان اسلامی، چهار ملازم با البسه‌های متفاوت با سربازان تخت‌جمشید حضور دارند که به‌همراه دو ملازم در بخش بالای فرش و دو وزیر در دو سمت پادشاه، عدد زوج هشت را نمودار می‌سازند (برخلاف پادشاهان پیشااسلامی). گرچه اجنهٔ پایین تختگاه حذف شده‌اند؛ اما گویی این دو اجنه با دو نفر ملازم که در بالای فرش قرار دارند جایگزین شده‌اند. مسئله حائز اهمیت آن است که تقسیم‌بندی مرسوم کماکان بی‌تغییر باقی مانده است. یک یا دو وزیر در بخش میانهٔ فرش و سربازان در بخش پایین جای دارند. حوض آبی که گیاه زیبایی نزدیک به آن در جهت بالا و پایین رسته، نمادی از حمایت ایزدبانوی ناهید است که در میانهٔ کادر عمودی و

قسمت پایین افقی قرار دارد. گوی خورشیدسان که نماد ایزد مهر و فرهمندی پادشاه است، به صورت آرایه‌ای تصویری به صندلی یا تختگاه پادشاه افزوده شده است و نمادی از پادشاه فرهمندی است که با حمایت ایزد مهر بر امر سلطنت گماشته شده است. وی، نماینده زمینی ایزد مهر محسوب می‌شود؛ همچون جمشید که در متون دینی نور زمینی معرفی شده است. بالاترین مقام، از آن ایزد مهر یا نماد وی، فره کیانی است که در قالب فروهر/ اندیشه نیک و در بالاترین سطح یا همتراز با سر پادشاه دیده می‌شود. همسطح شدن نماد فروهر در این تصاویر، مفهوم روشنایی اندیشه را تلویحاً نشان می‌دهد (تصاویر ۳، ۵، ۶ و ۷). فره کیانی در فرش‌هایی با نقشمایه‌های پادشاهان اسلامی به فرم یک نقشمایه تزئینی بر بالای تختگاه پادشاهی تبدیل می‌شود تا حمایتگری ایزد مهر را در ذهن مخاطب تداعی کند و حوض آب با درخت پرگل نماد حمایتگری ایزدبانوی ناهید از پادشاه و تشویق به امر شایسته و ستوده دینی زرتشتیان، یعنی کشاورزی را نشان می‌دهد (تصویر ۷).



تصویر ۷. ب. فرش نادرشاه، محل بافت: کرمان، تاریخ: اواخر قرن سیزدهم هجری، مکان نگهداری: موزه ملی فرش. منبع: نگارنده. توضیحات: گوی خورشیدسان به نماد ایزد مهر و حوض آب به نماد ایزدبانوی ناهید.



تصویر ۷. الف. فرش نادرشاه، محل بافت: همدان، تاریخ: اواخر قرن سیزدهم هجری. منبع: تناولی، ۱۳۶۸، ۱۷۸. توضیحات: گوی خورشیدسان به نماد ایزد مهر و حوض آب به نماد ایزدبانوی ناهید.

## نتیجه‌گیری

فرش ایرانی همواره محملی برای انتقال فرهنگ و اعتقادات ایرانیان در قالب تصاویر بوده است. فرش‌هایی که بدان پرداخته شد، حاوی عناصر نمادین است که از ترکیب داستان‌های پادشاهان پیشااسلامی و اسطوره‌های ایران با پیامبران سامی حاصل شده است. اسطوره‌ها و منابع نوشتاری در ادبیات دینی یا فرهنگ شفاهی منجر به شکل‌گیری این نمونه از فرش‌ها شده است که تا پیش از این تنها از دیدگاه تمایل پادشاهان به ابراز مشروعیت در امر حکومت سنجیده می‌شد. نقشمایه‌های موجود، فرش‌های تصویری را به‌عنوان رسانه‌ای قدرتمند در ارائه مفاهیم پیشااسلامی تبدیل کرده است و منجر به تبادلات نمادین نقشمایه‌ها با تصاویر پادشاهان ادوار اسلامی شده است. گیاهان موجود در زمینه این نمونه از فرش‌ها، به‌منظور تجسم بخشی و تداعی «وَرِ جمکرد» یا باغ جمشید برای مخاطبان ایفای نقش می‌کند. دیوان/ اجنه‌ای که در بخش زیرین تختگاه پادشاهی قرار دارند، تلویحاً توصیفگر داستان‌های جمشید، هوشنگ و سلیمان هستند و از جانب دیگر، تشابهات پیامبران سامی با یکدیگر و پادشاهان پیشااسلامی باهم، در شکل‌گیری این دسته از نقشمایه‌ها مؤثر بوده‌اند. پادشاهان با اسامی بافته شده بر بالای سرشان به مخاطبان معرفی می‌شوند و بدین‌وسیله روایت‌های مربوط به ایشان را در ذهن مخاطبان زنده می‌کنند. مثلاً هوشنگ‌شاه بر تخت‌نشسته با نامی که بر بالای سرش بافته شده به مخاطب معرفی می‌شود؛ اما دیگر عناصر تصویری تلویحاً یادآور جمشید و سلیمان نیز هست. علاوه بر آن، فره کیانی که از ایزد مهر دریافت شده در حالتی

خورشیدسان کنار سر پادشاه به نماد اندیشه نیک پرتوافشانی می‌کند. دسته‌ای دیگر از همین نمونه فرش‌ها، صرفاً نشانگر تلاش طراحان برای بازسازی نقش برجسته‌های تخت‌جمشید است که در فرم فروهر به نماد فره کیانی و در صدر فرش حلول می‌کند تا یادآور اندیشه و گفتار و کردار نیک باشد. این سه اصل و به‌خصوص اندیشه نیک در امر سلطنت یاری‌رسان پادشاه است؛ بنابراین در بالاترین جایگاه از کادر فرش قرار می‌گیرد. فرش‌هایی با این مضامین، به‌عنوان حلقه انتقال‌دهنده فرهنگ پیشاسلامی و عصر اسلامیند. اختلاط اسطوره‌های ایرانی با توصیفات موجود در قرآن و دیگر کتب مربوط به ادوار اسلامی، مسبب شکل‌گیری اجزاء تصویری خاص در این فرش‌ها شده است. بدین ترتیب، گرچه در تصویرسازی پادشاهان اسلامی (نادر شاه) نقشمایه دیوان/ اجنه وجود ندارد؛ اما تقسیم‌بندی فرش به سه بخش پایانی، میانه و نخستین کاملاً محفوظ مانده و چهار ملازمی که در بخش انتهایی حضور دارند، جایگزین سربازان تخت‌جمشید گردیده‌اند. در بخش میانی نیز حضور وزیران همچون گذشته پابرجاست؛ ضمناً جایگاه نخست که متعلق به پادشاه و تختگاهش است نیز بی‌تغییر باقی مانده است. اما اندک تغییراتی نیز در نقشمایه‌های پادشاهان اسلامی در قیاس با پادشاهان پیشاسلامی رخ داده است که قاعده قرارگیری افراد در اطراف پادشاه رعایت نشده است. گویی قاعده یک نفر در سمت راست پادشاه و چهار سرباز در بخش زیرین یا دو نفر در طرفین پادشاه و پنج سرباز در بخش زیرین که در فرش‌های هوشنگ‌شاهی مرسوم است با هم درآمیخته و تبدیل به قاعده چینش افراد برای فرش‌های نادرشاه گردیده است. اما حضور عوامل اصلی از جمله کتیبه نوشتاری برای معرفی پادشاه در بالای فرش و نمادهای ایزد مهر و ایزدبانوی ناهید به‌منظور حمایتگری از پادشاه، همچنان رکن اصلی نقشمایه‌های فرش‌های شاهی است. نهایتاً می‌توان اینطور استنباط نمود که انتقال مفاهیم از طریق توصیفات متون نوشتاری منجر به شکل‌گیری این نقشمایه‌ها گردیده است. پادشاهان اسطوره‌ای پیشاسلامی دارای خصلت‌ها و توصیفات هستند که مشابهت‌هایی را با پیامبران سامی ایجاد کرده و سپس همین خصلت‌ها در قالب نقشمایه‌های فرش نمایان گردیده است. کهن‌الگوی فره کیانی و حمایتگری مهر و ناهید نیز به‌عنوان عوامل تغییرناپذیر همواره حضور دارند.

## مشارکت‌های نویسنده

فاقد مشارکت

## تقدیر و تشکر

فاقد قدردانی

## تضاد منافع

نویسنده (نویسندگان) هیچ تضاد منافع احتمالی در مورد پژوهش، تألیف و انتشار این مقاله را اعلام نکردند.

## منابع مالی

نویسنده (نویسندگان) هیچ گونه حمایت مالی برای پژوهش، تألیف و انتشار این مقاله دریافت نکردند.

## پی‌نوشت

1. Logocentrique.

2. Iconocentrique.

۳. عیسی مسیح (ع) را به این شرط به آسمان‌ها بردند که از دنیا هیچ چیز برنده یا قاطع با خود نداشته باشد؛ اما سوزنی که از روی غفلت در جیب داشت موجب شد که از آسمان چهارم (فلک خورشید) بالاتر نرود و در واقع با خورشید هم‌خانه شد (یا حقی، ۱۳۸۶، ۵۹۳). روز بیست و پنجم دسامبر، در اصل روز تولد «خورشید شکست‌ناپذیر» و روز تولد «مهر» بوده که بعدها به‌عنوان روز تولد حضرت مسیح (ع) ثبت شد. نخستین اشاره تاریخی به مهر به سال هشتاد میلادی و کتاب thebaid اثر ساتیوس بازمی‌گردد و نوشته شده: «مهر در زیر تخته‌سنگ‌های غار ایران بر شاخ‌های گاو نر سرسخت پیروز شد.»

۴. تعداد امشاسپندان شش عدد است و یک را به نماد اهورامزدا (پروردگار) به آن افزوده کرده و معادل هفت می‌گیرند. همان عددی که جهت نام بردن از کل جهان استفاده می‌شود: «هفت کشور زمین.»

۵. گرچه جمشید جانشین تهمورث معرفی شده است، اما تهمورث ابریشم‌کشی را از دیوان آموخت (یا حقی، ۱۳۸۶، ۲۶۰).

۶. ادریس، نخستین کسی بود که خط نوشت و جامه دوخت. لباس پوشیدن و بنای شهرها و وضع نجوم و تقویم هم به او منسوب است (مجم‌التواریخ و القصص، ۱۸۴).

۷. الیاس همان ادریس است زیرا آن حضرت را ظهور و غیبت بوده است و دوباره مبعوث شده است. نام وی پیش از غیبت ادریس نبی بود (مریم: ۵۶ و ۵۷) و پس از آن به اسم الیاس رسول ظهور کرد (صافات: ۱۲۴) (حسن‌زاده‌املی، ۱۳۷۸، ۶۴۲).

8. Mürd.

۹. مردم در سپیده‌دم نوروز خود را با آب قنات غسل می‌دهند تا از هر گناه پاک شوند؛ چراکه این روز به فرشته آب تعلق دارد (یا حقی، ۸۳۵، ۱۳۸۶).

۱۰. ابوریحان بیرونی، طبری و بلعمی، پیدایش نوروز را در دوره سلیمان ذکر کرده‌اند (بیرونی، ۱۳۷۷، ۳۲۵، طبری، ۱۳۶۷، ۱۱۸؛ بلعمی، ۱۳۸۰، ۸۸).

## منابع

- ابن‌قیسرانی، محمدبن طاهر. (۱۳۸۲). *آفرینش و تاریخ* (مترجم محمد رضا شفیعی کدکنی). تهران: نشر آگاه.
- ابن‌نذیم. (۱۳۴۶). *الفهرست* (مترجم محمد رضا تجدد). تهران: دنیای کتاب.
- اکبری، تیمور و الیکای‌دهنو، ثریا. (۱۳۸۴). *چلیپای شکسته نماد رازآمیز*. تهران: سمیرا.
- اوستا/ یشتها. (۱۳۴۷). گزارش ابراهیم پورداوود. تهران: طهوری.
- اوشیدری، جهانگیر. (۱۳۷۱). *دانشنامه‌ی مزدیسنا* (چاپ ۱). تهران: نشر مرکز.
- ایمانی، الهه، طاووسی، محمود، چیت‌سازیان، امیرحسین و شیخ‌مهدی، علی. (۱۳۹۴). *گفتمان باستان‌گرایی در نقوش قالی‌های تصویری دوره قاجار*. گلجام، ۱۱(۲۸)، ۲۳-۳۸.
- آهنی، لاله، خزایی، محمد و عبداللهی‌فرد، ابوالفضل. (۱۴۰۰). *تحلیل نشانه‌های قدرت در قالی‌های تصویری دوره قاجار*. پژوهش هنر، ۱۱(۲۱)، ۱۷-۲۷. doi: 10.52547/ph.11.21.17\_27
- بلعمی، ابوعلی. (۱۳۸۰). *تاریخ بلعمی* (تصحیح محمدتقی بهار، به‌کوشش محمد پروین گنابادی). تهران: انتشارات زوار.
- بی‌نا. (بی‌تا). *مجم‌التواریخ و القصص* (به تصحیح ملک‌الشعرا بهار، بر مبنای چاپ نسخه پاریس) (مترجم کلاله خاور) (چاپ دوم). بی‌جا: بی‌نا.
- بیرونی، ابوریحان. (۱۳۱۸). *التفهیم الاوائل صناعه التنجیم* (به تصحیح و مقدمه جلال همایی). تهران: بی‌نا.
- بیرونی، ابوریحان. (۱۳۷۷). *آثارالباقیه* (مترجم اکبر داناسرشت). تهران: امیرکبیر.
- پشوتنی‌زاده، آزاده. (۱۳۹۴). *گاه‌های آفرینشی در برخی از فرش‌های شیری فارس*. گلجام، ۲۷(۲۷)، ۵۵-۷۶.
- تاواراتانی، ناهوکو. (۱۳۸۵). *ادبیات تطبیقی مار و کاج*. تهران: بهجت.
- تناولی، پرویز. (۱۳۶۸). *قالیچه‌های تصویری ایران* (چاپ اول). تهران: سروش.



- ثمودی، فرح. (۱۳۸۷). *ایزدیانوان در ایران باستان و هند*. تهران: آوَرَن.
- حسن‌زاده‌آملی، حسن. (۱۳۷۸). *ممد الهمم در شرح فصوص الحکم (جلد اول) (چاپ اول)*. تهران: وزارت ارشاد و فرهنگ اسلامی.
- خزاعی‌نیشابوری، حسین. (۱۳۷۴). *روض‌الجنان و روح‌الجنان فی تفسیر القرآن* (تفسیر ابوالفتوح رازی). مشهد: بنیاد پژوهش اسلامی آستان قدس رضوی.
- خزایی، محمد. (۱۳۴۱). *اعلام قرآن*. تهران: امیرکبیر.
- دزفولیان، کاظم و صحرائی، قاسم. (۱۳۸۹). *آمیختگی حکایت‌های جمشید و سلیمان و انعکاس آن در ادبیات فارسی*. *مجله مطالعات ایرانی*، ۹(۱۸)، ۷۵-۹۲.
- رامپوری، غیاث‌الدین محمد. (۱۳۶۳). *فرهنگ غیاث‌اللغات (به کوشش منصور ثروت)*. تهران: امیرکبیر.
- رشادی، حجت‌الله. (۱۳۹۰). *سیر تحول تصویربافی در فرش ایران از دیرباز تا امروز* (کارشناسی ارشد پژوهش هنر). دانشکده هنر، دانشگاه شاهد، تهران، ایران.
- سرکاراتی، بهمن. (۱۳۵۰). *پری: تحقیقی در حاشیه اسطوره‌شناسی تطبیقی*. *نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی تبریز*، ۱۰۰(۹۷-۱۰۰)، ۱-۳۲.
- سعدی شیرازی. (۱۳۷۱). *کلیات سعدی* (از نسخه تصحیح شده ذکاءالملک فروغی) (با مقدمه اقبال آشتیانی و محمد علی فروغی، تهران: جاویدان).
- سوراآبادی. (۱۳۷۰). *قصص قرآن مجید (برگرفته از تفسیر سوراآبادی) (به اهتمام یحیی مهدوی)*. تهران: خوارزمی.
- شایسته‌فر، مهناز و صباغ‌پور، طیبه. (۱۳۹۰). *بررسی قالی‌های تصویری دوره قاجار*. *باغ نظر*، ۸(۱۸)، ۶۳-۷۴.
- صدیقیان، مهین‌دخت. (۱۳۷۵). *فرهنگ اساطیری حماسی ایران*. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- طبرسی، فضل‌بن حسن. (۱۳۷۲). *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*. تهران: انتشارات ناصر خسرو.
- طبری، محمدبن جریر. (۱۳۶۷). *تفسیری طبری (مترجم حبیب یغمایی)*. تهران: انتشارات توس.
- طوسی، محمدبن محمود. (۱۳۸۲). *عجایب‌المخلوقات و غرائب‌الموجودات (به اهتمام منوچهر ستوده)*. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- غفیفی، رحیم. (۱۲۹۷). *اساطیر و فرهنگ ایرانی در نوشته‌های پهلوی*. تهران: انتشارات توس.
- عهد عتیق. (براساس کتاب مقدس اورشلیم) (مترجم پیروز سیار). تهران: نشر نی.
- عهدجدید. (براساس کتاب مقدس اورشلیم) (مترجم پیروز سیار). تهران: نشر نی.
- غلامی، یدالله. (۱۳۸۶). *هنر اسلامی و صور مجسم داستان سلیمان (ع) و بلقیس*. *صحیفه مبین*، ۳۹(۳۹)، ۱۲۹-۱۴۲.
- فردوسی، ابوالقاسم. (۱۳۱۵). *شاهنامه فردوسی (به تصحیح عباس اقبال آشتیانی)*. تهران: بروخیم.
- فرنیغ‌دادگی. (۱۳۶۹). *بندهش (گزارنده مهرداد بهار)*. تهران: انتشارات توس.
- فرهوشی، بهرام. (۱۳۷۴). *ایرانویج*. تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
- قرآن مجید، مترجم محمد مهدی فولادوند. تهران: دارالقرآن‌الکریم.
- کارنوی، ا.جی. (۱۳۴۱). *اساطیر ایرانی (مترجم احمد طباطبایی) (چاپ اول)*. تهران: انتشارات اپیکو.
- کشاورز افشار، مهدی. (۱۳۸۷). *بررسی قالیچه‌های تصویری قرن ۱۳ و ۱۴ هجری با موضوع تصویر انسان، موجود در موزه فرش ایران* (کارشناسی ارشد پژوهش هنر). دانشکده کاربردی، دانشگاه هنر، تهران، ایران.
- کویاجی، ج.ک. (۱۳۷۱). *پژوهش‌هایی در شاهنامه (گزارش و ویرایش جلیل دوستخواه)*. اصفهان: زنده‌رود.
- گردیزی، ابوسعیدبن محمود. (۱۳۴۷). *زین‌لاخبار یا تاریخ گردیزی*. تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- لاری، مریم. (۱۳۸۰). *نقش جن در نقاشی دوران قاجار*. *هنرنامه*، ۴(۱۰)، ۳۱-۴۱.

- ماسون، میخائیل یوگنیویچ و پوگچنکووا، گالینا آناتولینا. (۱۳۸۴). ریتون‌های اشکانی نسا (جلد دوم) تفسیر نقوش ریتون‌ها (مترجم رؤیا تاج‌بخش و شهرام حیدرآبادیان). همدان: انتشارات بازتاب اندیشه.
- مدرسی، فاطمه. (۱۳۸۵). اسطوره جمشید با نگاهی به سرگذشت سلیمان نبی. *مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی*، ۲(۱)، ۳۵-۹.
- مرتضوی، منوچهر. (۱۳۳۲). جام جم. *پژوهش‌های فلسفی*، ۲۶(۲)، ۹-۳۹.
- معین، محمد. (۲۵۳۵). *مزدیسنا و ادب پارسی* (جلد اول). تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- معین، محمد. (۱۳۸۱). *فرهنگ فارسی*. تهران: سرایش.
- نصر، سیدحسین. (۱۳۴۱). *هرمس و نوشته‌های هرمسی*. نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، ۱۰(۲)، ۱-۱۷.
- واحد دوست، مهوش. (۱۳۷۹). *نهادینه‌های اساطیری در شاهنامه فردوسی*. تهران: سروش.
- وارنر، رکس. (۱۳۸۶). *دانشنامه اساطیر جهان* (مترجم ابوالقاسم اسماعیل پور). تهران: اسطوره.
- وندشعاری، علی. (۱۳۸۷). *اسطوره هوشنگ‌شاه در قالی تصویری دوره قاجار*. گلجام، ۱۰(۱)، ۸۷-۹۹.
- یاحقی، محمدجعفر. (۱۳۸۶). *فرهنگ اساطیر و داستان‌واره‌ها در ادبیات فارسی*. تهران: فرهنگ معاصر.
- عبداللهی، منیژه. (۱۳۸۱). *فرهنگنامه جانوران در ادب پارسی بر پایه واژه‌شناسی، اساطیر، باورها*. تهران: پژوهنده.
- Ander, P. (1995). *Sommire*. England: Aurora Bournemouth.

